

آیا سرنوشت سند چشم‌انداز در انتظار الگوی پیشرفت است؟

محمدسعید احدیان



آیا می‌توان به آینده «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» امیدوار بود؟ این سؤالی است که بخواهیم یا نخواهیم در بخشی از جامعه نخبه علمی کشور وجود دارد و تکلیف ایجاد می‌کند که اگر باور به «الگو» داریم، ملاحظه را کنار بگذاریم و قبل از این که دیر شود سؤالات، ابهامات و نقدهای موجود در این زمینه را بشنویم و در جهت اصلاح امور (اگر نقدها وارد هستند) یا توضیح و اعتمادسازی (اگر نقدها نادرست هستند) بربیاییم.

ایجاد فضای باز برای شنیدن این نقدهای دلسوزانه وظیفه مدیران مربوط است و من در این مجال بنا ندارم به طرح این نظرات بپردازم (که برای بسیاری از آنان پاسخ‌های متقن وجود دارد). نقدی که می‌خواهم درباره روند موجود مطرح کنم را براساس تجربه رسانه‌ای خود مهمترین مسأله‌ای می‌دانم که اگر فکری به حال آن نشود، در خوشبینانه‌ترین حالت سرنوشتی بهتر از سرنوشت سند چشم‌انداز بیست‌ساله، نمی‌توان برای آن پیش‌بینی کرد. مگر کارکرد اصلی سند چشم‌انداز جز این است که افقی بلند و البته قابل دسترس را برای همه آحاد جامعه از مدیر اجرایی گرفته تا عموم مردم به تصویر کشد تا همه «سرمایه اجتماعی» کشور در «سویه‌ای» صحیح برای رسیدن به آن افق یا «انگیزه» صدچندان به کار گرفته شود؟ براساس دو گزارش کاملاً مستند روزنامه خراسان در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۰ زمانی که حتی نخبگان اجرایی (اعم از دولتی و غیردولتی) که اولین وظیفه پیاده‌سازی سند بر دوش آنان است از محتوای این سند فقط یک صفحه‌ای، تقریباً اطلاعی ندارند آیا می‌توان از استاد و دانشجو و طلبه و مردم انتظار حرکت پرانگیزه بر مدار سند چشم‌انداز داشت؟ می‌توان علل متعددی برای وضعیت موجود برشمرد اما به نظر می‌رسد ریشه اصلی همه این علتهای مربوط به فرایند تدوین و تصویب سند است، نه شرایط و اتفاقات و سهل‌انگاری‌های بعد از ابلاغ آن. و با نگرانی زیاد باید تأکید کنیم که این نقیصه مهم حداقل تا کنون در تدوین «الگو» نیز دیده می‌شود؛ البته با دلالی که ذکر خواهد شد در صورت برطرف نکردن آن با آثار منفی ریشه‌ای‌تر.

نوجوانان و جوانان کشور را در اختیار دارد و رسانه‌ها که وظیفه تنویر و افکار عمومی و فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی و نشر و ترویج شناخت و فکر و فرهنگ را بر عهده دارند باید سهم خود را به‌صورت جدی در این مهم بشناسند و به این وظیفه اساسی خود به خوبی و به‌طور جدی عمل کنند.

ج- پیشرفت در عرصه تولید علم که در سال‌های اخیر حرکتهای قابل توجهی صورت گرفته است اما باید شتاب بیشتر و گستردگی و عمق بیشتری پیدا کند. د- پیشرفت در عرصه معنویت که رهبر فرزانه انقلاب این عرصه را از تمامی عرصه‌ها مهم‌تر دانستند و تأکید کردند که این الگو را باید به‌گونه‌ای طراحی کنیم که نتیجه آن این باشد که جامعه ایرانی به سمت معنویت بیشتر پیش برود و بر این نکته اساسی تأکید کردند که نه تنها معنویت با علم، با سیاست، با آزادی و... منافاتی ندارد بلکه روح همه این‌هاست و می‌توان با آن قله‌ها را -از جمله قله‌های علمی را- فتح کرد و دنیایی انسانی شکل داد. «دنیایی که در آن علم با معنویت همراه باشد، تمدن با معنویت همراه باشد، ثروت با معنویت همراه باشد، این دنیا شایسته زندگی انسان است. دنیای انسانی که نمونه کامل آن در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله شکل خواهد گرفت». جالب این که رهبری در این بخش از سخنان خود به روشنی اشاره می‌کند که دنیای انسانی واقعی و کامل آن هنگام (ظهور امام زمان) آغاز می‌شود و ما امروز در زمینه‌های مقدماتی آن عالم انسانی واقعی و کامل (که با ظهور منجی عالم شکل می‌گیرد) حرکت می‌کنیم. «در آن دوران است که انسان به بزرگراه می‌رسد و دوران ظهور است که حرکت اصلی و سریع انسان آغاز می‌شود، حرکت و بی‌زحمت انسان آغاز می‌شود. زحمت فقط عبارت است از همین که انسان در این راه حرکت کند و برود، دیگر چیزی در آن جا وجود نخواهد داشت».

از دیگر نکات بسیار قابل توجه و تأمل در سخنان رهبری در اولین نشست اندیشه‌های راهبردی در تاریخ ۱۰ آذر ۱۳۸۹ این است که در باب محتوای اسلامی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ایشان بر ۳ اصل مهم «توجه به مبدأ و معاد»، «جدانودن دنیا از آخرت» و «نگاه اسلام به انسان» تأکید کردند و درباره هر کدام از این نکات مهم، اشاراتی داشتند. اجمال آن نکات این است که تنها با توجه به مبدأ هستی یعنی ذات باری تعالی می‌توان برنامه و نقشه‌ای جامع و ایده‌آل برای پیشرفت و نجات و سعادت انسان ترسیم کرد و تنها با توجه به معاد که روی دیگر زندگی و نشئه جاوید حیات انسانی است و این که اعمال در آن جا به جزا و پاداش و عقوبت واقعی خود خواهد رسید و این که هیچ کار دنیایی بی‌اثر در حیات آن دنیایی نیست و این که از خود گذشتگی و ایثار و فداکاری تنها با عقیده به معاد معنا پیدا می‌کند، سهم اساسی در همه عرصه‌ها و از جمله در طراحی الگوی پیشرفت دارد و این که دنیا مزرعه آخرت است و حیات اخروی روی دیگر سکه زندگی این دنیایی است. نکته مهم دیگر در کلام رهبری نگاه اسلام به انسان است که انسان را محور می‌داند و این موضوع در اسلام معنای بسیار وسیعی دارد که انسان اسلامی با انسانی که در فلسفه‌های مادی غرب و پوزیتیویسم مطرح است به کلی متفاوت است. محور بودن انسان هم در اسلام با محور بودن انسان در آن مکاتب به کلی متفاوت است و تأکید بر مسأله عدالت، امنیت، رفاه، عبادت و... برای این است که انسان سعادتمند شود. ایشان همچنین تصریح می‌کنند که در نگاه اسلامی وظایف اجتماعی، مبارزه با ظلم و فساد همه مقدمه نجات است. «همه چیز مقدمه است، عدالت مقدمه است، حتی جامعه اسلامی هم مقدمه است و این که در قرآن کریم آمده است که «لیقوم الناس بالقسط» که به عنوان هدف انبیا ذکر شده قطعاً عدل هدف است؛ منتها این هدف، هدف میانی است، هدف نهایی عبارت است از رستگاری انسان.» بنابراین این گونه می‌توان برداشت کرد که اصل و هدف غایی، شناخت، نجات، رستگاری و سعادت واقعی انسان است که مجموع این مسائل باید در محتوای اسلامی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی مورد توجه جدی قرار گیرد.